

بررسی جامعه‌شناختی گونه‌های هویتی در بین جوانان (مطالعه موردی بابلسر)

قربانعلی ابراهیمی*

عباس بهنوری‌گدنه**

E-mail: Ebrahimi.umz@gmail.com

E-mail: Abbas.Behnori@gmail.com

چکیده:

هویت یکی از محورهای اساسی جامعه‌شناسی فرهنگ است که در چند دهه اخیر مورد توجه عده زیادی از محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته است. از این رو، مقاله حاضر در صدد است با بررسی و سنجش گونه‌های مختلف هویتی در بین جوانان شهر بابلسر، نتایج مطالعه تجربی دیگری را به علاقه‌مندان حوزه فرهنگ و مسائل جوانان ارائه کند. بدین منظور، برای سنجش و بررسی این موضوع از نظریه هویت گیدنز استفاده شده و متعاقباً برای سنجش این متغیر (هویت اجتماعی) آزمون T-Test و پیرسون مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج این تحقیق از یک نمونه ۳۸۰ نفری، با نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب که به صورت پیمایش و با استفاده از تکنیک محاسبه حجم نمونه کوکران از جامعه آماری ۹۹۰۵ نفری به دست آمده، نشان می‌دهد، متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان تحصیلات جوانان با گونه‌های هویتی (مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و شخصی) آنان همبستگی دارند. همچنین، میزان گرایش دختران به هویت‌های جمعی در کل بیش از پسران است. علاوه بر این، با استفاده از نظریه گیدنز در این پژوهش، می‌توان گفت ویژگی‌های اکتسابی افراد نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت شخصی آنان در مدرنیته اخیر دارند. در ضمن با مرتبط‌کردن گونه‌های هویتی با میزان تحصیلات جوانان مشخص شد ویژگی‌های اکتسابی تأثیر زیادی در بروز هویت شخصی دارند.

کلیدواژه‌ها: هویت اجتماعی، جوانان، خودانگاره، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گونه‌های هویتی

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

هویت اجتماعی نوعی شناخت فرد یا گروه از خود در ارتباط و مقایسه با دیگران در اجتماع است که مشخص می‌کند فرد یا گروه به لحاظ اجتماعی کیست و چه جایگاه و ویژگی‌هایی در مقایسه با دیگران دارد. از این رو، تمامی ویژگی‌ها و رفتارهایی که میان «ما» و «آنها» تمایز می‌گذارند، مؤلفه‌های سازه‌ی هویت اجتماعی به شمار می‌روند. «به عبارت دیگر، هویت اجتماعی با معانی اجتماعی سروکار دارد که ذاتی اشیاء و پدیده‌ها نیست، پس پی‌آمد یا برآیند سازگاری و ناسازگاری معانی و روابط، همیشه موضوعی برای گفت‌وگو و یا نوآوری بوده است» (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۴). بر این اساس، هویت پایدار نیست، بلکه هویت‌ها در طول زمان دگرگون می‌شوند. به همین دلیل، هویت پدیده‌ای فرآیندی دانسته می‌شود که نه تنها یگانه و ثابت نیست، بلکه هر فرد چندین هویت دارد (همان). از یک منظر می‌توان هویت را به فردی و جمعی تقسیم‌بندی نمود. تفاوت عمده‌ی این دو در این است که اولی بر تفاوت و تمایز و دومی بر همانندی و ادغام تأکید دارد. به سخن دیگر، هویت فردی، یکتا و مختص هر شخص است و هویت جمعی، از طریق همانندسازی با اعضای گروه تحقق می‌یابد. در هر حال، هویت چه شخصی باشد و چه جمعی، امر اجتماعی است؛ بدین معنی که هویت یا شناخت از خود و تأکید بر خود در ارتباط با دیگران و در اجتماع است که دارای دو بعد تقابلی و یگانگی است. اینکه فرد یا گروه، خود را در تقابل با دیگری یا همانند با دیگری تلقی کند، امری است که آن را می‌آموزد نه آنکه در ذات خود داشته باشد. برای مثال، تفاوت یک دوقلوی مادرزاد و یا دو گروه دینی با مبدأ مشترک مانند شیعه و سنی، بیانگر اجتماعی‌بودن هویت‌ها اعم از فردی و جمعی است.

اهمیت و رواج فزاینده‌ی سازه‌ی هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره‌ی معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به جامعه مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است. در جوامع سنتی، هویت اجتماعی افراد و گروه‌ها، مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی^۱ است؛ اما در جوامع مدرن، ویژگی‌ها و رفتارهای فردی که خود افراد آنها را کسب کرده‌اند، مبنای هویت اجتماعی آنان به شمار می‌روند. از این رو، در جامعه معاصر، جهت‌گیری جامعه‌شناسی فرهنگ توجه به اهمیت روزافزون ویژگی‌های اکتسابی در شکل‌دادن به هویت‌های اجتماعی است (جی‌دان، ۱۳۸۵: ۲۹ و ۱۱۳). در حال حاضر، دیدگاه مسلط

1- Ascribed

آن است که به‌رغم حضور و تأثیر ویژگی‌های انتسابی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم در تعیین هویت اجتماعی افراد، این ویژگی‌ها و رفتارهای اکتسابی هستند که تمایزبخش میان افراد به حساب آمده و به منزله شالوده هویت اجتماعی قلمداد می‌شوند. از این رو، مقاله حاضر بر آن است با توجه به فرآیندهای مربوط به مدرنیته یا همان تجدد در جامعه ایران، به‌ویژه در جامعه آماری مورد مطالعه، گونه‌های مختلف هویت اجتماعی را بررسی نماید.

با توجه با اینکه تفاوت‌ها و تمایزها در قالب سازه‌ای به نام هویت جای می‌گیرند، برای کسانی که این تفاوت و تمایزها را مد نظر قرار می‌دهند، صورت ظاهری ویژگی‌ها و رفتارهای تمایزبخش اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا نمایش و تجلی هویت اجتماعی ضرورتاً نیازمند نوعی فضای کنشی می‌باشد. از این رو، فرهنگ دوره مدرنیته اخیر، فرهنگی است که در فضای کنشی و تعاملی تجلی می‌یابد.

در جامعه معاصر، هویت اجتماعی منبع اصلی برقراری ارتباط و تعامل قلمداد می‌گردد. در نتیجه، هویت اجتماعی یکی از چارچوب‌های اصلی سازمان‌دهی و دخل و تصرف در معانی فضاها کنشی است. بنابراین، گونه‌های مختلف هویتی در طول زمان، هویت اجتماعی را می‌سازند. این امر از آن‌روست که در مدرنیته متأخر نه فقط هویت، منحصر بفرد نیست، بلکه هر شخصی در طول عمر خود، متناسب با موقعیت مکانی و زمانی که در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند گونه‌های مختلفی از هویت را داشته باشد. بر این اساس، هویت اجتماعی به منزله مهمترین و نزدیک‌ترین رسانه‌ای است که می‌تواند حامل و نمایشگر تفاوت و تمایز گونه‌های هویتی باشد. اگرچه هویت دارای سابقه طولانی است، اما طرح آن اساساً به دوران گذار برمی‌گردد که هویت را به مسأله‌ای مهم در مباحثات مدرنیته اخیر بدل کرده است. بنابراین، آنچه در جامعه معاصر اهمیت یافته این واقعیت است که گونه‌های مختلف هویتی، به مثابه پروژه، فضای گفتگو و تحقیق را حول این موضوع به عنوان پدیده فرهنگی باز کرده است و دیگر به عنوان سازه پنهان نیست؛ زیرا بازتعریف و بازنمایی هویت در دوران اخیر و کنترل گونه‌های هویتی، با دلبستگی به تنظیم یا کنترل ویژگی‌ها و رفتارهای تمایزبخشی متناظر است که ریشه در فضای ابژه‌ای انسان مدرن دارند. بنابراین، پرسش اساسی تحقیق حاضر این است که در شهر توریستی بابلسر، گونه‌های هویتی به چه صورتی می‌باشند؟ پاسخ به این سؤال، می‌تواند پیامدهای مهمی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی در ایران (در سطوح خرد) و نیز درک مسائل فرهنگی و اجتماعی، داشته باشد.

از این رو، هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان تعلق به گونه‌های مختلف هویتی (ملی، مذهبی، گروهی، خانوادگی و شخصی) در بین جوانان شهر بابلسر است و درصدد پاسخ‌گویی به سئولات ذیل می‌باشد:

- ۱- میزان گونه‌های هویتی در میان جوانان (دختر و پسر) شهر بابلسر چگونه است؟
- ۲- آیا بین دختر و پسر از نظر میانگین گونه‌های هویتی تفاوتی وجود دارد؟
- ۳- آیا بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان و گونه‌های هویتی جوانان رابطه وجود دارد؟
- ۴- آیا بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان (جوانان) و گونه‌های هویتی آنان رابطه وجود دارد؟

مروری بر مطالعات پیشین

تحقیقات متعددی که در زمینه هویت اجتماعی صورت گرفته است، عمدتاً به بررسی رابطه بین مفاهیم و سازه‌های دیگر با هویت اجتماعی پرداخته‌اند. در این راستا، محققان سعی کرده‌اند رابطه بین سازه‌های مختلف را با گونه‌ها و اشکال مختلف هویت اجتماعی مشخص و تبیین کنند. در عین حال، کمتر تحقیقی تا کنون با عنوان تحقیق حاضر در داخل کشور صورت گرفته است. در ادامه به نتایج برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود. شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان» به بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه فرهنگی (عینی، ذهنی و نهادی) با گونه‌های مختلف هویت (ملی، مذهبی، خانوادگی و فردی) پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق ۴۳۷ نفر از جوانان (۱۵-۲۴) شهر تهران بوده‌اند. برای بررسی رابطه بین دو سازه، از نظریه بوردیو (سرمایه فرهنگی) و مید (هویت اجتماعی) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین سرمایه فرهنگی و انواع چهارگانه گونه‌های هویت، همبستگی مثبت وجود دارد. در این میان، بیشترین همبستگی سرمایه فرهنگی با هویت مذهبی و ملی و کمترین همبستگی با هویت فردی و خانوادگی می‌باشد. همچنین، نوع همبستگی ابعاد عینی و ذهنی سرمایه فرهنگی و انواع هویت اجتماعی تا حدودی متفاوت از بعد نهادی شده است.

در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان»، ایمان و کیدقان (۱۳۸۲) به بررسی عوامل اجتماعی (میزان رضایت از خود، میزان اعتماد به نفس،

توانایی عقلانی کردن امور و گسترش شبکه ارتباطی) مؤثر بر هویت اجتماعی (ملی، دینی، قومی، گروهی و جنسی) پرداخته‌اند. نمونه این تحقیق ۴۱۰ نفر از زنان (۶۴-۱۸) شهر شیراز بوده‌اند. همچنین، در این تحقیق، برای تبیین هویت اجتماعی زنان، از نظریه آنتونی گیدنز استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد تحصیلات فرد، والدین و عوامل پیش‌گفته، از جمله عواملی بوده‌اند که بیشترین تأثیر را در تبیین اشکال هویت اجتماعی داشته‌اند.

در پژوهشی دیگر تحت عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان»، وحیدا و دیگران (۱۳۸۳) به بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی (ارتباطی و ساختاری) و اشکال هویت (ملی، مذهبی، خانوادگی و فردی) می‌پردازند. در این تحقیق از نظریات کلمن، پوتنام و فوکایاما برای سنجش سازه سرمایه اجتماعی و از نظریه کنش متقابل نمادی و به‌ویژه از نظریه روزنبرگ برای سنجش سازه هویت اجتماعی استفاده شده است. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، ۷۰۰ نفر از دانشجویان یازده دانشگاه دولتی روزانه تهران بوده‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد بین میزان سرمایه اجتماعی و نحوه تعریف دانشجویان از جنبه‌های هویت خود، همبستگی مثبت، معنادار و نسبتاً ضعیفی وجود دارد.

ساروخانی و رفعت (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان» به بررسی رابطه بین عوامل مختلف تأثیرگذار بر هویت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. در این تحقیق، برای تبیین هویت اجتماعی، از نظریه آنتونی گیدنز و جنکینز استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه این تحقیق، کلیه زنان تهرانی گروه سنی بین ۲۵-۴۵ ساله ساکن شهر تهران در پنج سال گذشته بوده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق که به روش پیمایشی و کیفی صورت گرفته، نشان می‌دهد عوامل ساختاری تأثیر بیشتری ($\beta=0/39$) در مقایسه با عوامل فردی ($\beta=0/24$) در بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته‌اند.

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

هویت بر پایه نظریه گیدنز عبارت است از خود شخص آن گونه که شخص از خودش تعریف می‌کند. به نظر گیدنز، هویت انسان در کنش با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس هویت ثابتی ندارد. هویت، سیال و

همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲).

اصطلاح هویت تاریخیچه طولانی دارد، اما در قرن بیستم بود که این اصطلاح کاربرد جامعی یافت. مباحث مطرح شده در مورد هویت متأثر از دو سنت روان‌شناختی و جامعه‌شناسی است. حتی در چارچوب سنت روان‌شناختی، می‌توان به نظریه صاحب‌نظرانی همچون فروید، اریکسون و ژاک لاکان اشاره کرد که نوع‌شناسی متغیری نسبت به هویت افراد دارند. برای مثال لاکان بر این باور است که ناخودآگاه فرد بیانگر سوژه چندگانه‌ای است که هویت متکثر و تغییرپذیر ایجاد می‌کند، اما این چندگانه‌بودن هویت به واسطه تأثیر ایدئولوژی‌ها از نظر دور مانده است (توسلی، ۱۳۸۵). همچنین، تحقیقات وسیع لوین در زمینه اهمیت روانی تعلق به گروه، بخصوص در میان اقلیت‌ها و گروه‌های حاشیه‌ای نیز در همین چارچوب قرار دارد. در سنت جامعه‌شناسی، پارسونز در چارچوب نظریه کنش خود، هویت اجتماعی را به‌عنوان خرده نظام شخصیت می‌داند. او معتقد است هویت، نقش مهمی در تعیین مشارکت کنش‌گران در نظام اجتماعی دارد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱). از دیدگاه نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین نیز هویت اجتماعی عبارتست از: در یافت ما از این که «که هستیم» و مردم چه فهمی از خودشان و دیگران (که شامل ما هم می‌شود) دارند. همانگونه که مید اذعان می‌دارد، خود، به صورت اجتماعی قوام می‌یابد و از راه تعامل با دیگران و تحت تأثیر هنجارهایی که اجتماع از طریق آنها بر رفتار اعضایش نظارت می‌کند، شکل می‌گیرد (جی دان، ۱۳۸۵: ۶۶). بنابراین، هویت اجتماعی حاصل توافقات و عدم توافقات بین افراد است (ساروخانی و رفعت‌جاه: ۱۳۸۳). به‌عبارت دیگر، هویت اجتماعی تقریباً همان تمایز قائل‌شدن بین خودمان از روی قضاوت دیگران، و همچنین مخفی نگه‌داشتن شخصیت فردی از دیگران می‌باشد (کلافهم^۱، ۲۰۰۵). در مقابل این دیدگاه-ها، دیدگاه نظریه‌پردازانی قرار دارد که بر سیال بودن هویت افراد تأکید دارند. برای مثال مارشال برمن بر این باور است که مدرنیته، خصوصیتی سیال و باز دارد و هیچ‌گاه به ثبات و ایستایی اکتفا نمی‌کند. از این رو، با قبول این واقعیت، دیگر نمی‌توان از هویت ثابت انسانی سخن گفت که در بطن نظام اقتصادی - اجتماعی پیوسته تجدید شونده، زندگی می‌کند (برمن، ۱۳۸۲). همچنین، جنکینز^۲ (۱۹۹۶) معتقد است هویت هرگز ثابت نیست و همیشه در فرآیندی مستمر در حال انطباق با محیط خویش می‌باشد.

1- Clapham

2- Jenkins

یا به تعبیر استوارت هال، سوژهٔ پسامدرن، هیچ‌گاه ماهیت ثابت بنیادی یا ماندگاری برای انسان قائل نمی‌شود. بلکه او را در زمان‌های متفاوت، دارای ماهیت‌های مختلف می‌داند (توسلی، ۱۳۸۵). به زعم گیدنز (۱۹۹۱)، هویت مانند پروژهٔ زندگی می‌باشد که پیوسته و مدام در حال تغییر است.

به دلیل پویایی جوامع امروزی، حق انتخاب و تنوع انتخاب افراد بیشتر است و تنوع مراجع در ساخت هویت شخصی افراد مؤثر و مشهود می‌باشد. بازتابندگی خود، در مراجع امروزی آنقدر زیاد است که حتی جسم افراد تحت تأثیر بازتابندگی خود می‌باشد. (مثل رژیم‌های غذایی مختلف). به عبارت دیگر، جسم مادی یک جسم بیرونی تلقی نمی‌شود که خارج از هر گونه کنترل درونی ایفای نقش کند، بلکه ارتباط کاملی بین رشد جسمانی و شیوهٔ زندگی به چشم می‌خورد و در دنیای مدرن امروزی، بدن انسان به صورت پدیده‌ای در آمده که می‌توان آن را موضوع انتخاب‌ها و گزینش‌های مختلف قرار داد. رویدادهای امروزی تنها فردیت را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند، بلکه بین جنبه‌های شخصی توسعهٔ جسمانی و عوامل جهانی نیز روابطی برقرار می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴).

به نظر گیدنز، شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار «اعتماد بنیادین» است. هویت شخصی را نمی‌توان بر حسب ماندگاری‌اش در زمان مورد توجه قرار داد، بلکه هویت بر خلاف خود، به عنوان پدیده‌ای عام، مستلزم آگاهی بازتابی است. هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجهٔ تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خود مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. هویت یعنی تداوم فرد در زمان، هویت شخصی را می‌توان بازتاب تعبیری که شخص از این تداوم دارد، دانست. محتوای هویت شخصی یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگی‌نامهٔ شخصی از آنها ساخته می‌شود، مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. زندگی‌نامه‌های افراد درست مانند حکایت‌های مختلف، بر حسب مثلاً شکل و سبک با یکدیگر فرق دارند، این موضوع از نظر ارزیابی هویت شخصی در عصر تجدد، اهمیتی بنیادین دارد (ص ۷۴).

گیدنز، همچنین، اصطلاح دیگری را تحت عنوان «نظام امنیت هستی‌شناسی» مطرح می‌کند، به این معنی که نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعهٔ جدید) مجموعه‌ای

ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است. به نظر وی، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکت کنش، نیاز نیل به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند از میزان اضطراب خود در روابط اجتماعی بکاهند، این فرایند، ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی به وجود می‌آید و منشاء کنش است و به همین دلیل، سیال و پویاست (ص ۸۶).

به نظر گیدنز، نظام امنیت هستی‌شناختی باید در زمان استمرار پیدا کند و عوامل استمرار آن عبارتند از: عادی‌شدن تماس‌ها با دیگران، تفسیر موفقیت‌آمیز از کنش‌ها بر حسب ذخیره معرفتی افراد (آگاهی ذهنی و اطلاعاتی که افراد در ذهن خودشان دارند) و توانایی عقلانی کردن امور (با کمک آگاهی نطقی و آگاهی عملی). به این معنا که افراد اعمال خود را در نزد دیگران موجه جلوه می‌دهند (ایمان و کیدقان: ۱۳۸۲).

گیدنز معتقد است هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده نهادهای امروزی، مورد تنظیم و تجربه قرار داد.

در این مدل، افراد دارای هسته اولیه خود می‌باشند که از سه عامل اعتماد بنیادین، ویژگی‌های فردی و جامعه‌پذیری تشکیل شده است. اعتماد بنیادین خود، از طریق عادی‌شدن تماس‌ها، توانایی عقلانی‌کردن امور و تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود، بر تعداد کنش‌های موفق و انگیزه فرد برای کنش بعدی و در نتیجه، بر هویت اجتماعی فرد تأثیرگذار است.

ویژگی‌های فردی که شامل ویژگی‌های ظاهری، ویژگی‌های روانی و میزان اعتماد به نفس است، از طریق تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود، تفسیر موفقیت‌آمیز دیگران از کنش‌های دیگر کنش‌گران و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون، باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که در نهایت، بر هویت اجتماعی فرد مؤثر است. جامعه‌پذیری نیز به دو قسمت جامعه‌پذیری مدرن و سنتی تقسیم می‌شود. در جامعه‌پذیری سنتی، افراد حق انتخاب نداشته و از مراجع محدودی پیروی می‌کنند و دارای هویت انتسابی هستند. جامعه‌پذیری مدرن باعث کثرت محیط اجتماعی از یک طرف و تنوع مراجع از طرف دیگر می‌شود که این دو باعث ایفای نقش‌های گوناگون، ایجاد خودهای متعدد و ایجاد حق انتخاب برای فرد و رفتار مطابق با محیط‌های گوناگون می‌شوند. به نظر وی، این سه عامل به صورت هم‌عرض بر میزان انگیزه فرد جهت انجام کنش بعدی مؤثر بوده و در نتیجه، هویت اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار

می‌دهند. همچنین، محدودیت‌ها و فشارهایی را بر کنش متقابل چهره به چهره افراد، تحمیل می‌کنند (گیدنز: ۱۳۸۲).

بر اساس دیدگاه نظری و مدل مفهومی گیدنز، باید در نظر داشت هنگام تعریف هویت اجتماعی، موضوع آن از شکل‌های بروز آن تفکیک می‌شود. موضوع آن ممکن است فرد، گروه، جامعه، هم‌نوع و مانند آن باشد؛ اما شکل‌های آن ممکن است به صورت احساس علاقه به خود، خانواده، گروه، هم‌نوع، جامعه، ملیت و مذهب بروز نماید. به نظر گیدنز، هویت اجتماعی روایت خاصی را که فرد برای خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازد و مستلزم تصمیم‌گیری‌های روزانه است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۱). به ویژه، در فرهنگ مصرف‌گرای دوران معاصر، به علت متکثربودن زمینه‌های عمل و مراجع، اشکال هویتی، اهمیت بیشتری در ساخت هویت اجتماعی یافته‌اند. بنابراین، با توجه به تغییر ذائقه‌ها و منش‌های فردی ما نمی‌توانیم هویتی پایدار در جهان مدرن (متأثر از روحیه مصرف‌گرایی محصولات فرهنگی) داشته باشیم و همواره هویت اجتماعی‌مان دگرگون می‌شود. از این رو، هویت اجتماعی فرایندی است که نه فقط یگانه نیست، بلکه هر فرد دارای چندین هویت است. بنابراین، خودشناسی فردی و خودانگاره‌های شخصیت، نوعاً نقش بنیانی در پنداره خودبودگی دارد. ضمن اینکه، شرایط اجتماعی و جبرهای موجود در آن نیز دارای نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد و بازتولید آنهاست. به هر حال، فرد در رابطه خود با دیگری می‌تواند از فرصت‌های موجود برای ساختن هویت اجتماعی خود بهره‌برداری کند.

امروزه، شرایط موجود در سطح فرامحلی، ملی و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های نو، و همچنین سازمان‌های محلی، ملی و فراملی که در گسترش و تعمیق آنها فعال هستند، ایدئولوژی‌های جدید را که بر سنت و عرف‌های معمول در جهان تکیه دارند، به چالش کشیده‌اند. جوانان با به‌کارگیری ابزارهای مدرن همچون ماهواره، اینترنت و تلویزیون‌های دیجیتالی، با شیوه‌های جدید زندگی آشنا می‌شوند و آنها را با شیوه‌های سنتی مرسوم خود مقایسه می‌کنند. حضور جوانان در همه‌جای دنیا و به‌ویژه در کشورهای پیشرفته در عرصه‌های مختلف، موجب شد آنها در بازتعریف هویت اجتماعی و نقش‌های خود در جامعه، درنگ و تأمل نمایند. پی‌آیند این برخوردها و رویارویی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، دگرگونی هویت اجتماعی جوانان است. این دگرگونی محتوایی هویت اجتماعی جوانان درگیر در فرایندهای محیط پیرامون‌شان، آنها را از

جوانان غیرفعال و محافظه‌کار نسل گذشته متفاوت می‌سازد. براین اساس، آنها در پی شالوده‌شکنی یا تعدیل هویت‌های پیشین خود بوده و یا به‌دنبال راه برون‌رفت از وضعیت‌های مرسوم هستند که مبتنی بر پنداره‌های قالبی است. امروزه هویت فردی جوانان از مجموع هویت‌های اجتماعی و هویت شخصی آنها تشکیل می‌شود. هویت اجتماعی تعریفی است که فرد از خود بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی دارد و هویت شخصی نیز به تعریف بازاندیشانه فرد از خود اطلاق می‌شود (ساروخانی و رفعت، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، هویت اجتماعی ناظر بر فرآیند تعریف‌شدن «خود» از طریق نقش‌ها و پیوندهای اجتماعی است، اما هویت شخصی ناظر به این است که چگونه تعریف هر فرد از خود در عالم اجتماعی متشکل از تجربه و بازشناسی شکل می‌گیرد (جی دان، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از این رو، برای آنکه بتوان هویت را در آن واحد به مثابه ذاتی جوهری و درونی متعلق به خویشتن احساس کرد و هم به عنوان امری بر ساخته از موقعیت‌های چندگانه، پراکنده و دگرگون‌شونده، باید هویت را از منظر دیدگاه اجتماعی و همچنین فردی فهم نمود (ص ۸۶). بنابراین، در نظر گرفتن هویت فردی به دور از جهان اجتماعی دیگران، بی‌معناست. زیرا اگرچه افراد بی‌همتا و متفاوت هستند، اما خودبودگی آنها، اساساً سازه‌ای اجتماعی است (مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر، هویت شخصی که در خویشتن تجسم یافته، جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست. افراد یگانه و متفاوت هستند، اما خویشتن به طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی در فرآیندهای اجتماعی شدن اولیه و متعاقب، و در فرآیندهای جاری تعامل اجتماعی که در چارچوب آنها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند. به این ترتیب، الگوی اصلی عبارت است از: دیالکتیک درونی - برونی شناسایی به عنوان فرآیندی که به واسطه آن، همه هویت‌ها - اعم از فردی و جمعی - ترکیب می‌یابند (عریضی و دیگران، ۱۳۸۵). از این منظر، بی‌همتایی هویت شخصی، سازه‌ای اجتماعی است نه زیست‌شناختی که در همه جوامع انسانی یافت می‌شود. بنابراین، هویت فردی، هم پدیده‌ای فردی و هم اجتماعی است و جوامع انسانی به گونه‌ای گسترده، بر اساس تمایزیافتگی شخصی ساخت یافته‌اند؛ چندان که خودشناسی فردی و خودانگاره فردی نوعاً در پندار خودبودگی نقش بنیادی دارد. از سوی دیگر، بستر اجتماعی و مناسبات اجتماعی افراد با یکدیگر، توأمان در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد و بازتولید آنها نقش اساسی دارند و به هر اندازه این بسترها و مناسبات و ارتباطات اجتماعی نیرومند باشند، به

همان اندازه، افراد می‌توانند از این فضاها برای ساختن هویت اجتماعی خود بهره‌برداری کنند. مطالعه حاضر با استفاده از نظریه گیدنز، هویت جوانان را به پنج نوع شخصی، خانوادگی، گروهی، دینی و ملی تقسیم کرده و ارتباط پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان تحصیلات جوانان را با انواع هویت مورد بررسی قرار داده تا تبیینی جامعه‌شناختی از گونه‌های هویت در بین جوانان ارائه نماید.

فرضیات تحقیق

با توجه به اینکه علاوه بر داده‌های مربوط به پرسش‌های تحقیق، داده‌های مرتبط با متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان تحصیلات و جنسیت جوانان نیز گردآوری شده است، آزمون رابطه بین متغیرهای مذکور و انواع هویت اجتماعی جوانان اجرا شده است که نتیجه آن در این مقاله ارائه خواهد شد.

- ۱- به نظر می‌رسد بین دختران و پسران از نظر میزان تعلق به گونه‌های هویتی، تفاوت معناداری وجود داشته باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و گونه‌های مختلف هویت اجتماعی، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و گونه‌های هویتی، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایشی است که یکی از متداول‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی به حساب می‌آید. واحد تحلیل در این تحقیق، «فرد» پاسخ‌گو (جوان) است. سطح تحلیل نیز خرد می‌باشد.

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. برای تهیه پرسش‌نامه تحقیق، شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق استخراج و برای سنجیدن هر شاخص از طیف لیکرت استفاده گردید. لازم به ذکر است در این مطالعه، برای به دست آوردن اعتبار^۱ پرسش‌نامه، از اعتبار سازه‌ای استفاده شد، ضمن اینکه از متخصصان و اساتید صاحب‌نظر نیز کسب اطلاع و اعتبار گردید. همچنین، برای

1- Validity

2- Reliability



به دست آوردن پایایی^۲ تحقیق، پرسش نامه در نمونه ای به حجم ۳۵ نفر از جوانان به تفکیک جنس اجرا شد که نتایج به دست آمده از این پیش آزمون در جدول قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱: ضریب آلفای ابزار تحقیق به تفکیک هویت‌ها

ردیف	مفهوم	شاخص	تعداد گویه	مقیاس	ضریب آلفا
۱		ملی	۹ گویه	رتبیبی	۰/۸۹
۲		مذهبی	۱۰ گویه	رتبیبی	۰/۷۳
۳	خانواده	خانوادگی	۹ گویه	رتبیبی	۰/۸۷
۴		گروهی	۸ گویه	رتبیبی	۰/۶۲
۵		شخصی	۱۷ گویه	رتبیبی	۰/۶۷

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه جوانان بین ۱۵-۲۵ سال در حوزه‌های یازده-گانه شهر بابلسر است که تعداد آنها مشتمل بر ۹۹۰۵ نفر می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ای معرف از این جامعه آماری، نمونه‌ای به حجم ۳۸۰ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب و به تفکیک جنس به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای چندمرحله-ای متناسب اجرا گردید. در این تحقیق، برای انتخاب نمونه، طی دو مرحله اقدام شد. ابتدا شهر بابلسر به یازده حوزه تقسیم و متعاقباً از بین این یازده حوزه، شش حوزه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب گردید. سپس به تفکیک جنس، نمونه آماری مورد نظر با شمارش بلوک‌های هر حوزه و انتخاب چند بلوک به طور تصادفی از بلوک‌های مورد نظر انتخاب شد. در این تحقیق، اطلاعات به دست آمده با کمک نرم‌افزار کامپیوتری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته؛ همچنین از آماره‌های توصیفی (شامل: جداول فراوانی) و استنباطی (شامل آزمون تی تست و ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و متغیرها

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جایگاه سلسله‌مراتبی افراد بر حسب قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی آنهاست که از طریق ترکیب معرف‌های درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر به دست آمده است. بعد شغل بر اساس نمره منزلت شغلی (ناییبی و عبدالهیان، ۱۳۸۱) به دست آمده و نهایتاً پس از استاندارد کردن ابعاد سه‌گانه فوق و ترکیب کردن آنها با هم متغیر مورد نظر بدست آمده است.

هویت: اگرچه می‌توان هویت را در زمینه‌های مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی،

شخصی و مانند آنها تحت عنوان هویت مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و شخصی طرح و ارائه کرد، اما به لحاظ مفهومی، به نوعی چارچوب مفهومی و اداری نیاز است که در آن اطلاعات و معانی به عنوان منابع تفسیر تجربی مورد استفاده اشخاص و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

هویت در بستر فرهنگی نظام اجتماعی (فرهنگ مذهبی، فرهنگ ملی، فرهنگ گروهی، فرهنگ خانوادگی، فرهنگ شخصی) شکل گرفته و منبع فرهنگی رفتار به شمار می‌آید. گونه‌های هویت (مذهبی، ملی و غیره) تعیین‌کننده میزان تقید نظری و عملی اشخاص و گروه‌های اجتماعی به مجموعه دستورات، مقررات یا الگوهای رفتاری بستر فرهنگی خاص (مذهب، ملیت، گروه، خانواده، شخص و غیره) است. در این پژوهش نیز با این هدف به ارزیابی گونه‌های هویتی و تعیین وزن آنها پرداخته شده است. به منظور سنجش هر کدام از این گونه‌های هویتی، گویه‌های مربوطه بر اساس طیف لیکرت طراحی گردید. در همین راستا، بر اساس آنچه برونر و گاردنر با استفاده از سطوح سه‌گانه تحلیل (یعنی سطح فرد، سطح بین شخصی و سطح گروه)، سه گونه هویت معرفی می‌کنند (دوران، ۱۳۸۱)، نوعی تقسیم‌بندی از هویت اجتماعی ارائه شد تا تعریف عملیاتی مفهوم هویت ممکن شود. به بیان دیگر می‌توان هویت شخصی را نوعی هویت اجتماعی مبتنی بر فرد، هویت‌های خانوادگی و گروهی را نوعی هویت اجتماعی مبتنی بر رابطه و هویت مذهبی و ملی را نوعی هویت اجتماعی مبتنی بر جمع دانست. بدینسان، هویت اجتماعی جوانان مجموعه‌ای از هویت‌ها و در برگیرنده هویت‌های شخصی، خانوادگی، گروهی، دینی و ملی است، که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

هویت اجتماعی: هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران می‌کند و بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد وابسته به برداشت و شناسایی دیگران است و شناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت می‌باشد. در معنای اصلی هویت، تشابه و تمایز مطلق است. همه هویت‌های انسانی، حتی هویت فردی که در خویشتن تجسم می‌یابد و بر اساس نحوه ارتباط با دیگران و تجربه‌های دوران حیات شکل می‌گیرد، اجتماعی‌اند چون به معنا مربوط می‌شوند و معنا نتیجه توافقی و عدم توافقی و موکول به جمع است. به علاوه، هویت اجتماعی شخص هیچ‌گاه تمام شده نیست و مدام در معرض تغییر و تحول و بازنگری

است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۵).

هویت مذهبی: در این تحقیق، هویت مذهبی به معنای مجموعه خصوصیتی است که فرد را به واسطه داشتن نوع احساسات و تعلقات مذهبی، به شخصیت متمایز تبدیل کرده است. در این پژوهش، برای سنجش این مفهوم، از سؤالات چندگزینه‌ای با کمک گرفتن از طیف لیکرت و مقیاس ترتیبی استفاده گردیده است.

هویت ملی: هویت ملی نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع عام می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه می‌شود و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۰۶). در این پژوهش، برای سنجش این متغیر، از سؤالات پنج‌گزینه‌ای و از طیف لیکرت و مقیاس ترتیبی استفاده شده است.

هویت خانوادگی: هویت خانوادگی فرد به خصوصیات، مشخصات و به تفکراتی که شخص در مورد خانواده خود دارد، اطلاق می‌گردد. برای بررسی این مفهوم، در این پژوهش، از سؤالات پنج‌گزینه‌ای با استفاده از طیف لیکرت و مقیاس ترتیبی استفاده شده است.

هویت گروهی: هویت گروهی از طریق سنجش خصوصیات، ویژگی‌ها و تفکراتی که دست می‌آید که شخص در مورد گروه‌های که عضو آنهاست، دارد. این متغیر، در این تحقیق، از طریق سؤالات پنج‌گزینه‌ای و با استفاده از طیف لیکرت و مقیاس ترتیبی سنجیده می‌شود.

هویت شخصی: هویت شخصی به صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که به طور بازتابی به وجود می‌آیند. این تصویر بازتابی از خویشتن، که بر روایت‌های زندگینامه‌وار منسجم و همواره قابل تجدید نظر استوار است، در تار و پود انتخاب‌های متعدد و برآمده از نظام‌های مجرد جای می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۸). روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بر این واقعیت تأکید می‌کنند که احساس هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. آنان کم‌وبیش می‌پذیرند که هویت، معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود پیدا می‌کند، ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. هویت اجتماعی نمودیافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی سایر افراد معنایی ندارد. افراد بی‌همتا و متغیر هستند، اما شخصیتشان، کاملاً به صورت اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و اندرکنش اجتماعی، ساخته می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۵). برای بررسی این مفهوم، در این پژوهش، از طیف لیکرت با سؤالات چندگزینه‌ای و مقیاس ترتیبی استفاده شده است. در جدول زیر، چگونگی عملیاتی‌کردن مفاهیم بالا

نشان داده شده است.

گونه‌های هویتی	شاخص	گویه
مذهبی	احساس آرامش، احساس نگاه، احساس وزن نفس	لازم است انسان تمام فرایض دینی را به جا آورد. دستورات دینی در مورد تمام مسائل زندگی قابل پیاده شدن است. برای دیندار بودن، صرف اعتقاد به خدا کافیست. عبادت باعث آرامش روح انسان است. انسان در تعیین سرنوشت خود کاملاً آزاد است و خداوند در آن دخالتی ندارد. دین تبعیض زیادی بین زن و مرد قائل شده است. دین اسلام کاملترین دین است. ایمان مذهبی آثار روحی فراوانی دارد. بعضی از قوانین مذهبی قابل اجرا در اجتماع [قابل اجرا] نیستند. نذر و نیاز خیلی وقتها مشکل آدم را حل می‌کند.
ملی	احساس ناامیدی، احساس اعتماد، احساس افتخار، احساس انزجار، احساس ندامت	هیچ جای دنیا برای من مثل ایران نمی‌شود. در صورت امکان برای همیشه به یک کشور خارجی مهاجرت می‌کنم. چو ایران میباشد تن من مباد. ایرانی بودن برای من افتخار است. خیلی وقت‌ها به خود می‌گویم ای کاش در ایران به دنیا نیامده بودم. پرچم سه رنگ ایران مایه سربلندی است. من به ایران به عنوان یکی از بافرهنگ‌ترین کشورها افتخار می‌کنم. من به زبان فارسی افتخار می‌کنم. آدم در کشور خودش هر چقدر هم سختی بکشد بهتر از رفتن به خارج است.
گروهی	همگرایی، احساس آرامش، احساس همبستگی، احساس اعتماد	بیشتر دوست دارم با دوستانم باشم. بیشتر اوقات دوستان برای آدم ایجاد مشکل می‌کنند. با دوستان بیش از هر کس دیگری به آدم خوش می‌گذرد. اگر دوستانم برنامه‌ای داشته باشند، با آنها همراه می‌شوم. به تصمیمات گروهی بیشتر اهمیت می‌دهم تا تصمیمات فردی. کارهای گروهی را به کار فردی ترجیح می‌دهم. در مشکلاتی که برایم پیش می‌آید، بیشتر از دوستانم درخواست کمک می‌کنم. تا ضرورتی ایجاد نکند در جمع دوستانم حاضر نمی‌شوم.
خانوادگی	احساس آرامش، احساس همبستگی	با خانواده بودن بیشتر از هر آدم دیگر برایم خوش می‌گذرد. من بیشتر دوست دارم با خانواده‌ام باشم. بیشتر اوقات خانواده‌ام برایم ایجاد مشکل می‌کنند. در اغلب اوقات، تابع نظرات اعضای خانواده هستم. در مسائل و مشکلاتی که برایم پیش می‌آید، با خانواده‌ام مشورت می‌کنم.

تصمیمات خانوادگی در انجام کارهایم برایم تعیین کننده است. مشارکت و کمک در کارهای خانه برایم لذت بخش است. گذران اوقات فراغت با خانواده برایم مسرت بخش است. در زندگی بیش از هر چیز به خانواده‌ام، اهمیت می‌دهم.	اعتماد به نفس، احساس ناامیدی، احساس نازا، احساس عدم اعتماد به نفس	شخصی
احساس می‌کنم شخص با ارزشی هستم. سلیقه خودم را بر دیگر سلیقه‌ها ترجیح می‌دهم. در انتخاب کردن نظر خودم ارجح می‌باشد. صحبت کردن در جمع برایم مشکل می‌باشد. دوستانم به نظرم اهمیت می‌دهند. غالباً می‌توانم روی اندیشه دیگران تأثیرگذار باشم. در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود، به نظر من نیز توجه می‌شود. احساسات من زود جریحه‌دار می‌شود. اطمینان دارم از پس مشکلاتی که برایم پیش می‌آید برمی‌آیم. بعضی وقت‌ها به خاطر بعضی کارهای نامناسب خودم را سرزنش می‌کنم. اکثر تصمیماتی که در مواجهه با مشکلات می‌گیرم، با شکست مواجه می‌شود. خودم تصمیم می‌گیرم چه کار بکنم و چه کار نکنم. همیشه طبق برنامه کارم را انجام می‌دهم. احساس می‌کنم می‌توانم انتظارات دیگران را برآورده کنم. در تصمیمات خود پافشاری می‌کنم. همیشه تلاش می‌کنم فرد موفقی باشم. ارزش خودم را زیر سؤال نمی‌برم حتی اگر دیگران این کار را بکنند.		

یافته‌های پژوهش

بررسی‌های توصیفی، آمارهای ساده و اولیه‌ای را فراهم می‌نماید که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر اساس آنها انجام داد. همچنین، آمارهای توصیفی می‌تواند به شناخت کامل‌تر جامعه مورد بررسی کمک نماید.

جدول شماره ۲، میانگین میزان گونه‌های مختلف هویتی (مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و شخصی) را به تفکیک جنس در میان جوانان شهر بابلسر نشان می‌دهد.
 جدول شماره ۲: میانگین میزان گونه‌های مختلف هویتی (مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و شخصی) به تفکیک جنسیت

مؤلفه‌ها		جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
گونه‌های هویتی					
مذهبی		دختر	۱۹۱	۳۹/۳۲	۵/۰۱



۵/۷۰	۳۷/۲۶	۱۸۹	پسر	ملی
۷/۰۸	۳۷/۵۷	۱۹۱	دختر	
۷/۰۱	۳۶/۵۰	۱۸۹	پسر	گروهی
۴/۹۱	۲۶/۲۷	۱۹۱	دختر	
۴/۷۶	۲۷/۱۶	۱۸۹	پسر	خانوادگی
۶/۷۸	۳۶/۱۳	۱۹۱	دختر	
۶/۶۸	۳۴/۸۰	۱۸۹	پسر	شخصی
۸/۶۹	۶۰/۳۱	۱۹۱	دختر	
۷/۷۲	۶۱/۰۴	۱۸۹	پسر	

براساس میزان میانگین‌های به دست آمده در جدول شماره ۲، می‌توان گفت دختران گرایش بیشتری به گونه‌های هویتی جمعی دارند و پسران، برعکس، به گونه‌های هویتی فردی تمایل بیشتری دارند. به عبارت دیگر، میزان میانگین گرایش دختران به گونه‌های هویت مذهبی، ملی و خانوادگی بیشتر از پسران می‌باشد. در مقابل، میزان میانگین گرایش پسران به گونه‌های هویت شخصی و گروهی بیشتر از دختران است. اگر چنانچه انواع هویت‌ها به دو دسته هویت جمعی (شامل هویت‌های مذهبی، ملی، خانوادگی و گروهی) و هویت شخصی تقسیم شود، داده‌های جدول بیانگر آن است که وزن هویت شخصی در مقایسه با هویت جمعی در هر دو جنس دختر و پسر بسیار بیشتر است. بالا بودن میانگین هویت شخصی دختران و پسران نسبت به هویت‌های جمعی آنان، نشان می‌دهد عناصر تعیین‌کننده هویتی جوانان تحت تأثیر شرایط دوره مدرن، عمدتاً گرایش به پررنگ‌سازی هویت شخصی دارند و از این نظر، تفاوت زیادی بین دختر و پسر وجود ندارد.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا میزان تشابه و تمایز دختران و پسران در میزان میانگین گونه‌های هویتی بررسی می‌شود. در صورت عدم یا وجود تفاوت معنادار بین دو جنس دختر و پسر در میزان میانگین گونه‌های هویتی، می‌توان وجود یا عدم وجود تفاوت در بین دو گروه (دختر و پسر) را نشانه تأیید یا رد فرضیه تحقیق دانست. به این منظور، در این قسمت، ابتدا موارد تشابه و تمایز دو گروه (دختر و پسر) از نظر

میزان میانگین گونه‌های هویتی نشان داده می‌شود. سپس صحت و سقم دیگر فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت مذهبی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۲/۰۶ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد، از این رو، می‌توان گفت تمایل زنان به هویت مذهبی بیشتر از مردان می‌باشد.

جدول شماره ۳: آزمون T هویت مذهبی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	میزان T	سطح معنی‌داری
زن	۱۹۱	۳۹/۳۲	۳۷۸	۳/۷۴	۰/۰۰۰
مرد	۱۸۹	۳۷/۲۶			

جدول شماره ۴. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت ملی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۱/۰۶ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتیجه با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد، معنی‌دار نمی‌باشد. از این رو، می‌توان گفت میزان تمایل دختران و پسران در گرایش به هویت ملی، تا حدودی یکسان بوده و تفاوت زیادی با هم ندارند.

جدول شماره ۴: آزمون T هویت ملی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	میزان T	سطح معنی‌داری
زن	۱۹۱	۳۷/۵۷	۳۷۸	۱/۴۷	۰/۱۴۱
مرد	۱۸۹	۳۶/۵۰			

جدول شماره ۵. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت گروهی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۰/۸۹- کمتر از میانگین نمره پسران است. این نتیجه با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد، معنی‌دار نمی‌باشد. از این رو، می‌توان گفت که میزان تمایل دختران و پسران در گرایش به هویت گروهی، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول شماره ۵: آزمون T هویت گروهی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	میزان T	سطح معنی‌داری
زن	۱۹۱	۲۶/۲۷	۳۷۸	-۱/۷۹	۰/۰۷۳
مرد	۱۸۹	۲۷/۱۶			

جدول شماره ۶. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت خانوادگی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران $1/32$ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح 95 درصد، معنی‌دار نمی‌باشد. با این حال، می‌توان گفت که میزان تمایل دختران به هویت خانوادگی بیشتر از پسران است.

جدول شماره ۶: آزمون T هویت خانوادگی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	میزان T	سطح معنی‌داری
زن	۱۹۱	۳۶/۱۳	۳۷۸	۱/۹۱	۰/۰۵۶
مرد	۱۸۹	۳۴/۸۰			

جدول شماره ۷. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت شخصی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران $0/73$ - کمتر از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح 95 درصد، معنی‌دار نمی‌باشد. از این رو، می‌توان گفت بین دختران و پسران تفاوت زیادی در میزان گرایش به هویت شخصی دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۷: آزمون T هویت شخصی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	میزان T	سطح معنی‌داری
زن	۱۹۱	۶۰/۳۱	۳۷۸	-۰/۸۶	۰/۳۸
مرد	۱۸۹	۶۱/۰۴			

با توجه به سطح سنجش متغیرها، برای آزمون رابطه بین گونه‌های مختلف هویتی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۸، نشان می‌دهد گونه‌های مختلف هویتی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی همبستگی دارند. بر این اساس، میزان همبستگی آماری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت مذهبی جوانان حدود $0/19$ - است که نشان‌دهنده همبستگی منفی بین دو متغیر می‌باشد. همبستگی این دو متغیر از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به هویت مذهبی کاهش می‌یابد. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی جوانان، حدود $0/19$ - همبستگی وجود دارد که حکایت از همبستگی منفی و ضعیف بین دو متغیر است. همچنین،

همبستگی بین دو متغیر نیز از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، با رشد و بالارفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به هویت ملی کاهش می‌یابد. یافته‌های تجربی، همچنین، نشان می‌دهد همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با هویت گروهی ۰/۳۰ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و ضعیف بین دو متغیر می‌باشد. به علاوه، همبستگی مذکور با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نمی‌باشد. همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با هویت خانوادگی برابر با ۰/۴۱ - است. از این رو، این ضریب به دست آمده، نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر منفی و معکوس می‌باشد. یعنی با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، هویت خانوادگی تضعیف می‌شود. به علاوه، با توجه به P محاسبه شده می‌توان عنوان کرد همبستگی بین دو متغیر معنی‌دار می‌باشد. همچنین، میزان همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با هویت شخصی جوانان حدود ۰/۱۶ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت بین دو متغیر می‌باشد. به علاوه، با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، می‌توان گفت همبستگی مذکور معنی‌دار است؛ یعنی با بالارفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان، هویت فردی آنان نیز تقویت می‌گردد.

آماره‌های استنباطی جدول شماره ۸، ضریب همبستگی میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان را با گونه‌های مختلف هویتی (مذهبی، ملی، گروهی، خانوادگی و شخصی) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پایگاه اقتصادی و اجتماعی با گونه‌های هویتی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
هویت مذهبی	-۰/۱۹۸	۰/۰۰۰
هویت ملی	-۰/۱۹۸	۰/۰۰۰
هویت گروهی	۰/۰۳۱	۰/۵۵
هویت خانوادگی	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۵
هویت شخصی	۰/۱۶۷	۰/۰۰۱

جدول شماره ۹، ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان را با گونه‌های مختلف هویتی نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول به تفکیک نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین تحصیلات پاسخ‌گویان (جوانان) و هویت مذهبی آنان، ۰/۰۲ است. بر این مبنا، می‌توان گفت همبستگی بین دو متغیر مثبت و ضعیف است. به علاوه، با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، همبستگی بین دو متغیر معنی‌دار نیست.

بین میزان تحصیلات جوانان و هویت ملی آنان حدود ۰/۰۸- همبستگی وجود دارد. این ضریب نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر ضعیف و منفی می‌باشد. به عبارتی با افزایش میزان تحصیلات جوانان، میزان گرایش آنان به هویت ملی کاهش می‌یابد. به علاوه، با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، این ضریب به دست آمده از نظر آماری معنی‌دار نیست.

یافته‌های به دست آمده، نشان می‌دهد همبستگی بین میزان تحصیلات جوانان و هویت گروهی آنها ۰/۰۰۱- است. مطابق این ضریب، همبستگی بین دو متغیر بسیار ضعیف و منفی می‌باشد. به عبارتی با بالا رفتن میزان تحصیلات هویت گروهی آنان کم رنگ‌تر می‌شود. بنابراین، با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، همبستگی مذکور معنی‌دار نمی‌باشد.

میزان همبستگی آماری بین میزان تحصیلات جوانان و هویت خانوادگی آنان، ۰/۰۹- است که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر منفی و ضعیف است. از سوی دیگر، همبستگی این دو متغیر از لحاظ آماری با توجه به سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار نیست.

یافته‌های تجربی حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد میزان همبستگی آماری بین میزان تحصیلات جوانان و هویت شخصی آنان ۰/۲۲ است. مطابق این ضریب، همبستگی بین دو متغیر مثبت بوده و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، همبستگی مذکور با معنی می‌باشد. به عبارتی، با افزایش میزان تحصیلات جوانان، هویت شخصی آنان پررنگ‌تر می‌گردد. با توجه به نتایجی که از جدول ۹ به دست آمده، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که میزان تحصیلات جوانان با تمام انواع هویت‌ها همبستگی دارد، اما این همبستگی با گونه‌های مختلف هویتی متفاوت است. به عبارتی میزان تحصیلات با هویت ملی، گروهی و خانوادگی همبستگی منفی و با هویت مذهبی و شخصی، همبستگی مثبت دارد؛ اما این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین بیشترین میزان همبستگی تحصیلات جوانان با هویت شخصی است.

جدول شماره ۹: ضریب همبستگی میزان تحصیلات جوانان با گونه‌های هویتی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
هویت مذهبی	۰/۰۲۰	۰/۷۰۳
هویت ملی	-۰/۰۸۷	۰/۰۹۰
هویت گروهی	-۰/۰۰۱	۰/۹۷۸

هویت خانوادگی	۰/۰۹۸-	۰/۰۵۶
هویت شخصی	۰/۲۲۷	۰/۰۰۰

بنابراین، بر اساس داده‌های جدول شماره ۹، می‌توان ادعا نمود هر چه میزان تحصیلات بالاتر می‌رود، هویت‌های فردی تقویت می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با شروع دوران مدرن و شکل‌گیری حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ، مسائل مختلف مربوط به زندگی انسان‌ها در فضای اجتماعی جدید، توجه علاقه‌مندان این حوزه را به خود جلب کرده است. یکی از مسائلی که جهان مدرن برای انسان معاصر به ارمغان آورد، هویت اجتماعی اوست.

هویت اجتماعی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه‌های مختلف (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مانند آن) به شمار می‌رود. بنابراین، ضرورت دارد با بررسی این موضوع، مباحث صورت‌گرفته حول این مفهوم مستند گردد. از این رو، در مقاله حاضر، برای سنجش این سازه از گونه‌های هویتی (ملی، مذهبی، گروهی، خانوادگی و شخصی) بهره‌گیری شد و با سنجش این گونه‌ها، نتایج بررسی تجربی این سازه مفهومی ارائه گردید. از سوی دیگر، نتایج به دست آمده از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، نشان می‌دهند متغیرهای گوناگونی بر چگونگی شکل‌گیری هویت تأثیر دارند. به عنوان نمونه، می‌توان به متغیرهایی چون پایگاه اقتصادی - اجتماعی، قومیت، محل سکونت، جنسیت و مانند آنها اشاره داشت که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تعیین هویت اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند.

مدرنیته که بر حسب ماهیتش با کثرت‌ها و دگرگونی‌های آشوبناک همراه بوده است، فضایی آفرید که در آن، هر یک از افراد می‌بایست مستقل از صفاتی که به واسطه جایگاه سنتی یا طبیعی خود، به آنها متصف گشته بود، هویت خویش را پی‌ریزی کند. از این حیث، فضایی فراهم شد که یکایک افراد خود به جست‌وجو، اکتساب و حتی ساخت هویت خویش اقدام کنند (جی دان، ۱۳۸۵؛ ۱۱۵). از این روست که در دنیای مدرن، تکوین هویت به حیات درونی افراد منتقل شده است (همان: ۱۲۹). بدینسان، اینگونه استنباط می‌شود که ویژگی‌های اکتسابی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های فردی در دوران مدرنیته اخیر دارند. در همین چارچوب، با سنجش متغیر میزان تحصیلات جوانان، مشخص شد تحصیلات به عنوان نمادی از

تلاش فردی با هویت شخصی افراد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی با بالارفتن میزان تحصیلات جوانان، هویت شخصی آنان تقویت شده و از دیگر هویت‌هایی که جنبه گروهی دارند، کاسته می‌شود. از سوی دیگر، اگر ما نتایجی که از جدول شماره ۸ به دست آمده را مد نظر قرار دهیم، مشخص می‌گردد این متغیر (پایگاه اقتصادی - اجتماعی) بیشتر در جهت تقویت هویت‌های فردی است تا هویت‌های جمعی. یعنی هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، نقش هویت‌های جمعی کم‌رنگ‌تر و نقش هویت شخصی پررنگ‌تر می‌شود. براساس این نتایج، می‌توان عنوان نمود سنخ‌شناسی‌هایی که در جامعه نوین امروزی صورت می‌گیرد، بیشتر بر تمایزات فردی تأکید دارد تا تمایزات جمعی.

نتایج تجربی که از جدول شماره ۲ به دست آمده، نشان می‌دهد غالب دختران بیش از پسران گرایش به هویت‌های جمعی (ملی، مذهبی و خانوادگی) دارند. این نتایج شاید به این دلیل باشد که دختران در جامعه ما همواره از استقلال فردی کمتری برخوردار بوده‌اند. به علاوه، برای زنان در طول تاریخ تکیه‌گاهی مثل خانواده، مرد و غیره فرض شده است که سرپرستی او را به عهده دارد. نکته دیگری که می‌توان در این زمینه بیان کرد، این است که دختران اغلب روحیه محافظه‌کارانه دارند. بدینسان، از اظهار نظرهای بی‌پروا نیز دوری می‌جویند. با توجه به نتایج تجربی که از این پژوهش به دست آمده، مشخص می‌شود پسران بیش از دختران به هویت‌های فردی گرایش دارند. این نتیجه، شاید ناشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ما (مردسالاری) باشد که به مرد استقلال فکری و تصمیم‌سازی بیشتری می‌داده است. از طرف دیگر، با تفکیک هویت‌ها به جمعی و فردی، نوعی یکسانی در بین دختران و پسران وجود دارد؛ بدین معنی که وزن هویت شخصی هر دو جنس دختر و پسر بیشتر از گونه‌های هویت جمعی آنان است. به هر حال، شایسته است با توجه به نتایجی که در تحقیق حاضر به دست آمده، تغییر نگرشی در رابطه با هویت جوانان به‌ویژه به تفکیک دختر و پسر صورت بگیرد، تا بتوان این تفاوت‌های نگرشی را که ریشه در فرهنگ چندین ساله ما دارد، تا حدودی تعدیل کرد. همچنین، با بهره‌گیری از این نتایج، می‌توان با تصمیم‌گیری‌های متناسب با مسائل جوانان، آنان را در جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پیشرفت جامعه سوق داد تا جوانان برای افعال، رفتار و نگرش‌های خود نوعی تعهد اجتماعی قائل شوند.

با توجه به اینکه میزان تحصیلات جوانان بر روی گونه‌های هویتی (ملی، خانوادگی،

گروهی) تأثیر منفی دارد. پیشنهاد می‌شود علاوه بر تجدید نظر در محتوای مفاهیم و مؤلفه‌های مربوط به هویت‌های جمعی (ملی، گروهی، خانوادگی) در کتب درسی مقاطع تحصیلی عمومی و متوسطه، در برنامه‌های صدا و سیما، رسانه‌های جمعی و دستگاه‌های اجرایی متولی حوزه فرهنگ نیز تجدید نظری در چگونگی تدوین و ارائه سازوکارهای فرهنگی مرتبط با همبستگی اجتماعی و ملی ایجاد گردد.

منابع:

- ۱- ایمان، محمدتقی و کیزقان، طاهره (۱۳۸۲): «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ش ۴۵، صص ۱۰۶-۸۰.
- ۲- توسلی، غلامعباس و قاسمی، یار محمد (۱۳۸۳): «هویت‌های جمعی و جهانی‌شدن»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، صص ۱-۲۶.
- ۳- دوران، بهزاد (۱۳۸۱): *تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- دوران، بهزاد و محسنی، منوچهر (بی‌تا): «هویت: رویکردها و نظریه‌ها»، *ویژه‌نامه مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص ۹۰-۳۹.
- ۵- ساروخانی، باقرورفعت جاه، مریم (۱۳۸۳): «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان»، *پژوهش زنان*، ش ۱، صص ۹۱-۷۱.
- ۶- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱): «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- ۷- شکوری، علی (۱۳۸۵): «تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف: مطالعه موردی جوانان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، صص ۵۵-۲۵.
- ۸- عبدالحی، محمد (۱۳۷۵): «جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیس مبادله فرهنگی ایران با جهان»، *نامه پژوهش*، ش ۲ و ۳، صص ۱۶۱-۱۲۵.
- ۹- عبدالحی، محمد (بی‌تا): «بحران هویت: هویت جمعی، دینامیس و مکانیس تحول آن در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱، صص ۸۰-۶۳.
- ۱۰- عربی، فروغ‌السادات، وحیدا، فریدون و پروانه دانش (۱۳۸۵): «ماهواره و هویت جنسی دختران جوان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲، صص ۱۰۰-۷۶.
- ۱۱- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰): «جهانی‌شدن و بحران هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۰، صص ۲۰-۱۴.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷): *پی‌آمدهای مدنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۳- ----- (۱۳۸۰): *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۲، تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- ----- (۱۳۸۲): *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چ ۲، تهران: نشر نی.
- ۱۵- مقدس، علی‌اصغر و بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۴): «جهانی‌شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان»، *مطالعات زنان*، ش ۷، صص ۳۲-۵.
- ۱۶- نایی، هوشنگ و حمید عبدالهیان (۱۳۸۱): «تبیین قشربندی اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰، صص ۲۳۶-۲۰۵.
- ۱۷- وحیدا، فریدون و دیگران (۱۳۸۳): «رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان مطالعه موردی یازده دانشگاه دولتی شهر تهران»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ش ۲، صص ۹۲-۵۹.

18- Brown, Rupert and Capozza, Dora (2000); *Social Identity Processes: Trends in Theory and*



- Research*. London: Sage
- 19- Erikson, E.H. (1967); *Identity, Youth and Crisis*. New York: W.W.Norton.
 - 20- Clapham, D. (2005); *Identity and Lifestyle in the Residential Environment*. London. Cardiff University.
 - 21- Giddens. A. (1991); *Modernity and Self-Identity; Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Polity.
 - 22- Jenkins R. (1996); *Social Identity*. London; Routledge.
 - 23- Hockey J. and James A. (2003); *Social Identities Across the Lifecourse*. Basingstoke: Pal grave.